



جمعه های انتظار؛ وجوه مشترک منجی و موعود آخرالزمان در آیات و روایات با ادیان دیگر

ویژگی اعتقاد شیعیان درباره موعود این است که این حقیقت را در مذهب تشیع از شکل یک آرزو، از شکل یک امر ذهنی محض، به صورت یک واقعیت موجود تبدیل کرده است.

ویژگی اعتقاد شیعیان درباره موعود این است که این حقیقت را در مذهب تشیع از شکل یک آرزو، از شکل یک امر ذهنی محض، به صورت یک واقعیت موجود تبدیل کرده است.

به گزارش خبرنگار مهر، یادداشتی با عنوان «وجوه مشترک منجی و موعود آخرالزمان در آیات و روایات با ادیان و مذاهب دیگر» در پی می آید؛

وجوه مشترک منجی و موعود آخرالزمان در آیات و روایات با ادیان و مذاهب دیگر

فتوریسیم یا عقیده به ظهور یک نجات دهنده بزرگ آسمانی و امید به یک آینده روشن که در آن، نگرانیها و هراسها مرتفع گردد، به برکت ظهور یک شخصیت ممتاز الهی همه تاریکیها از پهنه گیتی برچیده شود و ریشه ظلم و جهل و تباهی از روی کره زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره در همه وقت، در همه جا، و در همه زمانها بین تمام ملتها شایع و رایج بوده است.

آنچه از تاریخ امتها استفاده می شود این است که: مسأله عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخر الزمان به نام منجی موعود جهانی به قدری اصیل و ریشه دار است که در اعماق دل ملتها و پیروان همه ادیان الهی، و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است تا جایی که در طول تاریخ بشریت، انسانها در فراز و نشیب های زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدری، پیوسته خود را از یأس و ناامیدی نجات داده، و در انتظار ظهور مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه شماری می کنند. (۱)

همه ادیان معتقدند که در پایان هر دوره ای از تاریخ، بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می رود، و چون طبعاً و فطریاً، در حال هبوط و دوری از مبدأ است، و مانند اجار به سوی پایین حرکت می کند، نمی تواند به خودی خود به این سیر نزولی و انحطاط معنوی و اخلاقی خاتمه دهد. پس ناچار روزی يك شخصیت معنوی بلند پایه، که از مبدأ وحی و الهام سرچشمه می گیرد، ظهور خواهد کرد، و جهان را از تاریکی جهل و غفلت و ظلم و ستم نجات خواهد داد. در این مورد، در تعالیم هر دینی، به صورت رمز، به حقایقی اشاره شده است، که با معتقدات آیینهای دیگر توافق و هماهنگی کامل دارد.

در این بشارتها و اشارتها و انتظارها و موعودها، تعبیرها متناسب با فرهنگ خود آن ادیان و اقوام است. (۲)

در کتاب های مربوط به مذاهب به نام ها و القاب مختلفی بر می خوریم؛ برای نمونه: در مذهب یهود: سرور میکائیلی، عزیز، منحاس، ماشیح؛ در مذهب مسیحیت: مهمید آخر، مسیح، پسر انسان؛ در مکتب زرتشت: سوشیانس؛

در مکتب هندوها: ویشنو، منصور، فرخنده؛ در مکتب بودا: مایتریا، بودای پنجم؛ (۳)

در صحف ابراهیم علیه السلام: صاحب، در زبور سیزدهم: قائم، در هزار نامه هندیان: لندبطاوا، در کتاب دید براهمه: منصور و... (۴)

ویژگی هایی که در این کتابها برای منجی موعود ذکر شده، مشابه وجوهی است که در آیات و روایات شیعه برای امام مهدی (عج)، ظهور و حکومت آن حضرت (عج) بیان شده است که به برخی موارد اشاره می شود:

قرآن کریم می فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۵)

در زبور بعد از ذکر [تورات] نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد.

طبق روایت‌های متواتر اسلامی-از طریق شیعه و سنی-این آیه شریفه مربوط به ظهور حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌باشد و قرآن کریم نیز با نقل این عبارت بر آن تأکید می‌کند.

در زبور داوود(ع) که با عنوان «مزامیر» در لابه‌لای «عهد عتیق» آمده، درباره

ظهور منجی نویدهایی داده شده و می‌توان گفت: در هر قسمت زبور به ظهور منجی و نوید پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین مستقیم، اشاره شده:

«...شریران از بین خواهند رفت، اما توکل‌کنندگان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. هان! بعد از اندک زمانی، شریبری نخواهد بود؛ هر اندازه او را بجویی، ناپیدا خواهد بود. و اما صابران، وارث زمین خواهند شد... زیرا بازوان [افراد] شریر شکسته خواهد شد. و اما خداوند صالحان را تأیید می‌کند. خداوند روزهای کاملان را می‌داند و برای همیشه میراث آنها خواهد بود.»(۶)

انجیل متی: «کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.»(۷)

امام زمان علیه السلام در توقیعی که به شیخ مفید رحمه الله فرستاد فرمود: «

سعی کنید اعمال شما طوری باشد که شما را به ما نزدیک سازد و از گناهانی که موجب نارضایتی ما را فراهم نماید بترسید و دوری کنید. امر قیام ما با اجازه خداوند به طور ناگهانی است.»(۸)

جاماسب در تعالیم خود می‌گوید:

«از عدل او گرگ با میش آب می‌خورد و همهی جهان به آئین «مهرآزمای» خواهند گروید.»(۹)

در کتاب: «اشعیاء نبی» می‌خوانیم:

... «گرگ با بره سکونت خواهد کرد، و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند... و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پرخواهد شد.»(۱۰)

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرمایند: «در حکومت حضرت مهدی علیه السلام، درندگان با یکدیگر در صلح و آرامش خواهند بود.»(۱۱)

معراجیه: «و دینم را به وسیله او اجرا و بر همه برنامه‌ها چیره خواهم کرد.»(۱۲) روایت

و نیز در تفسیر آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (۱۳)؛ تا او را بر همه [مجموعه‌های] دین پیروز گرداند، آمده است با ظهور حضرت قائم علیه السلام این کار انجام خواهد شد. (۱۴)

زرتشت چنین گفته: «سوشیانس(نجات‌دهنده بزرگ جهان) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگ‌دستی ریشه‌کن سازد...»(۱۵)

امام صادق علیه السلام: «حتماً زمانی بر شما فرا می‌رسد که احدی از شما جایی برای مصرف دینار و درهم خود نداشته باشد، یعنی در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام جایی نمی‌یابد که پول خود را در آن مورد خرج کند، زیرا به فضل خداوند و ولی او تمامی مردم بی‌نیاز خواهند بود.»(۱۶)

در زند-از کتاب‌های مقدس زرتشتیان و ترجمه و تفسیر اوستای کنونی- درباره انقراض اشرار و جانشینی «صلحا» پس از درهم شکستن شوکت جباران و بیدادگران که زمام امور جامعه بشری را به دست خواهند گرفت، چنین می‌گوید:

«آن‌گاه که از طرف اهورامزدا به ایزدان یاری می‌رسد، پیروزی بزرگ از آن ایزدان

می‌شود و اهریمنان راه منقرض می‌سازند... بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیک‌بختی خواهند نشست... ت. «(۱۷)

ابو دلف از امام هادی(ع) روایت می‌کند که فرمود:

«امام بعد از من فرزندم حسن است و بعد از او فرزندش، قائم است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، پس از آن که از جور و ظلم پر شده باشد.»(۱۸)

در حقیقوت نبی می‌خوانیم:

«اگرچه تأخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا حتما خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد.»(۱۹)

امیرالمؤمنین علیه السلام: «از برای قائم ما غیبتی است که مدتش طولانی خواهد بود، گویی شیعیان را می‌بینم که مانند چهارپایان دنبال چراگاه می‌گردند و آن را نمی‌یابند. آگاه باشید! که هرکس از آن‌ها بر دین خود ثابت بماند و قلبش به خاطر طول کشیدن غیبت امامش قساوت نگیرد، چنین کسی در درجه‌ام همراه من خواهد بود.»(۲۰)

در کتاب «دید» از کتب مقدسه هندیان چنین آمده:

«پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخر الزمان پیدا شود که پیشوای خلائق باشد و نام او «منصور» باشد. تمام عالم را بگیرد، و به دین خود درآورد و همه‌کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هرچه از خدا بخواهد بیاورد.»(۲۱)

خداوند، در سه جای قرآن (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۸) تصریح می‌کند، دین اسلام بر همه ادیان غلبه خواهد کرد؛ هر چند کافران و مشرکان نخواهند و خود را شاهد بر چنین رویدادی معرفی می‌کند.

در تفسیر آیه شریفه

«وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا، فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَثْبُورًا»(۲۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند مهدی را منصور نامیده است، چنان‌چه نامیده شده است احمد، به محمد و محمود و نامیده شده است عیسی، به مسیح.»(۲۳)

محمد بن مسلم می‌گوید: شنیدم ابا جعفر فرمود: «قائم ما منصور به رعب و موید به نصر است.»(۲۴)

در «دانیال نبی» بشارت منجی، چنین آمده است:

«امیر بزرگی که برای پسران قوم تو ایستاده است، برخواهد خواست و زمان، چنان تنگ خواهد شد که تا امروز نبوده... و بسیاری از آنان که در خاک خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد... اما تو ای دانیال! کلام را پنهان دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن... خوشا به حال آنان که انتظار کشند.»(۲۵)

از حضرت رسول(ص) روایت است: «در آخرالزمان به امت من از سوی سلاطین آن‌ها گرفتاری شدیدی می‌رسد که کسی سخت‌تر از آن را نشنیده است، به طوری که انسان پناهگاه و راه فرار از آن را نمی‌یابد. پس خداوند مردی از عترت و اهل بیت من را به سوی آنان می‌فرستد که زمین را پر از قسط و عدالت می‌نماید همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.»(۲۶)

امام صادق(ع) فرمود: «روزی که «قائم ما علیه السلام» قیام کند خداوند ارواح مؤمنین را برمی‌انگیزاند، پس با آن حضرت همراه می‌شوند و دسته دسته او را لبیک گویند.»(۲۷)

جاماسب در کتاب معروف خود «جاماسب‌نامه» از «زرتشت» نقل می‌کند که:

«از فرزندان دختر پیغمبر که «خورشید جهان» و شاه زمان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن

امام باقر از پدران بزرگوارشان از رسول خدا(ص) روایت کند که فرمود: «مهدی از فرزندان من است برای او غیبت و حیرتی خواهد بود که مردم در آن گمراه شوند. او ذخیره پیامبران علیهم السلام را خواهد آورد و زمین را پر از عدل و داد کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.» (۲۹)

در کتاب «دادتک» از کتب مقدّسه‌ی برهمنیان هند چنین آمده است:

«بعد از آن که مسلمانی بهم رسد، در آخر الزّمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدّی حاکمان و ریای زاهدان و بی‌دیانتی امینان و حسد حاسدان برطرف شود و به جز نام از آن چیزی نماند... دست حق برآید و جانشین آخر «ممتا» (۳۰) ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا... و خلائق را

هدایت کند.» (۳۱)

در کتاب کمال الدین از پیغمبر اکرم(ص) روایت شده است که فرمود: «امامان بعد از من دوازده نفرند، اولشان تو هستی یا علی و آخرینشان قائم است که خداوند عزّ و جل به دست او شرق و غرب زمین را فتح می کند.» (۳۲)

در بحار از حضرت ابوجعفر باقر(ع) است که درباره آیه «تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ» (۳۳)؛ ذلت آنان را فراگیرد؛ این همان روزی است که [رسولان حق] به آنان وعده می دادند. فرمود: یعنی روز خروج قائم(ع). (۳۴)

با توجه به موارد فوق، «در خلقت بشر و تاریخ طولانی بشریت حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت این است که این ستیزه‌ی میان حق و باطل، یک روز به سود حق و به زیان باطل پایان خواهد گرفت و از آن روز به بعد دنیای حقیقی بشر، زندگی مطلوب انسان، آغاز خواهد شد که در آنجا ستیزه‌گری مفهوم مبارزه نیست، مبارزه برای تسابق در خیرات است. این یک حقیقتی است که بین همه‌ی ادیان مشترک است.

خصوصیت اعتقاد ما شیعیان این است که این حقیقت را در مذهب تشیع از شکل یک آرزو، از شکل یک امر ذهنی محض، به صورت یک واقعیت موجود تبدیل کرده است. حقیقت این است که شیعیان وقتی منتظر مهدی موعودند، منتظر آن دست نجات‌بخش هستند و در عالم ذهنیات غوطه نمی خورند؛ یک واقعیتی را جستجو می کنند که این واقعیت وجود دارد. حجت خدا در بین مردم زنده است؛ موجود است؛ با مردم زندگی می کند؛ مردم را می بیند؛ با آنهاست؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس می کند. انسانها هم، آنهایی که سعادت‌مند باشند، ظرفیت داشته باشند، در مواقعی به طور ناشناس او را زیارت می کنند. او وجود دارد؛ یک انسان واقعی، مشخص، با نام معین، با پدر و مادر مشخص و در میان مردم است و با آنها زندگی می کند.» (۳۵)

منابع:

۱- ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، اسدالله هاشمی شهیدی، ص ۲۹

۲- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی ص ۵۰

۳- پرسش ها و پاسخ های مهدوی ص ۶

۴- ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، اسدالله هاشمی شهیدی، ص ۳۶

۵- سوره انبیا/ ۱۰۵

۶- کتاب مزامیر، مزمور ۳۷، بندهای ۹-۱۲، ۱۷ و ۱۸

۷- انجیل، متی، فصل ۲۴، بندهای ۲۷، ۳۰، ۳۵، ۳۷ و ۴۵

- ۱۸- احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۴
- ۱۹- وخواهدآمد، علی اکبرمهدی پورص ۱۳۲
- ۱۰- کتاب اشعیاء نبی: فصل ۱۱ بندهای ۱-۱۰
- ۱۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۰
- ۱۲- مکیال المکارم، ج ۱ ص ۹۱
- ۱۳- سوره فتح/۳۸
- ۱۴- کافی ج ۱ ص ۴۳۲
- ۱۵- گفتمان مهدویت ص ۲۹۴ به نقل از جاماسب نامه صص ۱۲۲-۱۲۱
- ۱۶- اغیبت نعمانی ص ۱۵۰
- ۱۷- محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۳۷
- ۱۸- کمال الدین، ترجمه پهلوان، ج ۲، ص ۸۰
- ۱۹- کتاب حیقوق نبی، فصل ۲ بندهای ۳-۵
- ۲۰- مکیال المکارم، ج ۱ ص ۱۶۴
- ۲۱- وخواهدآمد، علی اکبرمهدی پورص ۱۲۷
- ۲۲- سوره اسرا/۳۳
- ۲۳- موعودنامه ص ۷۰۳ به نقل از بحار، ج ۵۱، ص ۲۸
- ۲۴- همان، به نقل از بحار، ج ۵۲، ص ۱۹۱
- ۲۵- گفتمان مهدویت، ص ۲۸۷ به نقل از تورات، دانیال نبی، فصل ۱۲، بندهای ۱-۱۲
- ۲۶- احقاق الحق ج ۱۳ ص ۱۵۲
- ۲۷- الارشاد: ص ۳۴۲؛ بحار الأنوار: ۵۳/۹۰ ب ۲۹ ح ۹۴ و ۵۲/۲۹۱ ب ۲۶ ح ۳۵
- ۲۸- وخواهدآمد، علی اکبرمهدی پور، ص ۱۳۱
- ۲۹- کمال الدین ج ۱ ص ۴۳۱
- ۳۰- محمد
- ۳۱- وخواهدآمد، علی اکبرمهدی پور، ص ۱۲۸
- ۳۲- کمال الدین ج ۱ ص ۲۸۲

۳۳- سوره معارج/۴۴

۳۴- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۴۳ به نقل از تفسیر قمی، ص ۴۲۴

۳۵- بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۷/۰۵/۲۷